



عنوان:

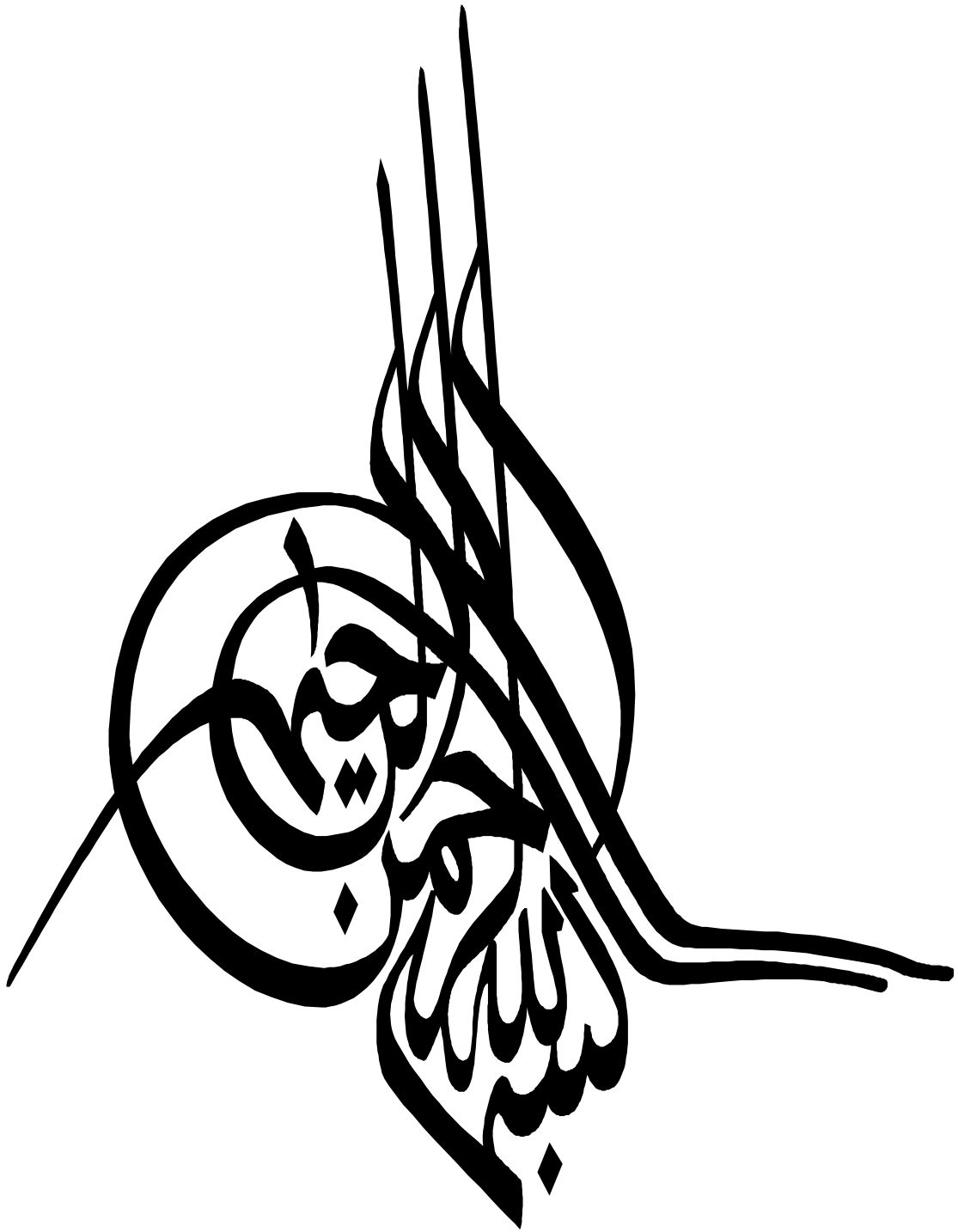
بایدها و نبایدهای معلم

قرآن

محقق:

مهیا گودرزی

۱۳۹۳



فهرست مطالب

- فصل اول: معلم نمونه درآموزه های قرآنی..... ۱
- فصل دوم: ویژگی های معلم نمونه درقرآن..... ۵
- ۱-۱: تواضع..... ۶
- ۲-۱: مهربانی..... ۶
- ۳-۱: اخلاق نیکو..... ۷
- ۴-۱: صبر..... ۸
- ۵-۱: گذشت..... ۹
- ۶-۱: صداقت..... ۱۰
- فصل سوم: حفظ شخصیت دانش آموزان..... ۱۲
- فصل چهارم: تنبیه و تشویق..... ۱۶
- فصل پنجم: خودسازی و وظیفه اولیه معلم نمونه..... ۱۷
- فصل ششم: بایدهای معلم قرآن..... ۲۰
- ۱-۶: گفتارمان مطابق کردارمان باشد..... ۲۱
- ۲-۶: مهرورزی و عطف در تربیت..... ۲۲
- ۳-۶: خوددورزی و کاربرد منطق و استدلال در تربیت..... ۲۲
- ۴-۶: خیراندیشی و موعظه در تربیت..... ۲۳
- ۵-۶: حرص و ورزی در تربیت..... ۲۳
- ۶-۶: غمخواری در تربیت..... ۲۳
- ۷-۶: مردمی بودن مربی..... ۲۴

۲۴	۸-۶:سخن دانی و نرمی در سخن.....
۲۴	۹-۶:اخلاص وانگیزه در مربی.....
۲۵	۱۰-۶: حسن خلق و معاشرت نیکو در تربیت.....
۲۵	۱۱-۶:تلاش در حدتوان.....
۲۵	۱۲-۶:مربی،اغتنام وخلق فرصت در تربیت.....
۲۶	فصل هفتم:آداب معلم قرآن.....
۳۱	نتیجه گیری.....
۳۲	فهرست منابع.....

فصل اول:

معلم نمونه درآموزه های قرآنی

در هر مکتبی برای رسیدن به اهداف تعلیم و تربیت از روش های خاص آن مکتب استفاده می شود. در دین مبین اسلام که دستورات جامع و کامل آن در قرآن ، این کتاب همیشه جاویدان ، آمده است ؛ روش ها و نکته هایی که در رسیدن به اهداف مقدس تعلیم و تربیت که بزرگترین این اهداف: «انسان سازی» است ، بیان شده است که با دقت و تدبیر در آیات قرآن کریم و رجوع به احادیث اهل بیت علیهم السلام در این زمینه ، می توان این روش ها و نکته ها را به خوبی دریافت و به کار برد تا هدف اصلی و اساسی تعلیم و تربیت یعنی انسان سازی محقق گردد.

تعالیم روح بخش اسلام در کلیه شئون زندگی براساس فطرت که بهترین راهنمای انسان هاست ، می باشد و لذا مربیان و معلمان با بهره مندی از این تعالیم می توانند تربیتی محکم و استوار برای کودکان و نوجوانان که آینده سازان جامعه اسلامی هستند ، به ارمغان بیاورند. جوامع بشری امروزه از لحاظ علم و صنعت و اختراع و تکنولوژی بسیار پیشرفته و هر روز با کشف جدیدی سعی می کند از تکنولوژی روز در بهتر زیستن خود کمک بگیرد اما در کنار این پیشرفت مادی و علمی از لحاظ اخلاقی و معنوی بتدریج سقوط می کند و نمی تواند راهنمای موفق برای بشر به سوی کامیابی و سعادت باشد اما فرهنگ اسلامی به گواهی تاریخ ، صلاحیت رهبری و ارشاد بشریت را دارد و کتاب مقدس و آسمانی قرآن این مسئولیت خطیر را بر عهده دارد.

قرآن که کتاب عمل است ، همان کلید سعادت است که از اوایل قرن هفتم میلادی در اختیار بشر قرار گرفت و در مدت کمتر از صد سال سه قاره آسیا ، آفریقا و اروپا (اسپانیا) را تحت نفوذ خود گرفته و جهانی نوین آفرید. «علامه اقبال لاهوری» نقش قرآن و نفوذ آن در میان مردمان را چنین بیان می کند:

نقش قرآن چون که بر عالم نشست*** نقش های پاپ و کاهن را شکست
 فاش گویم آنچه در دل مضمّر است*** این کتابی نیست ، چیزی دیگر است

«دکتر گوستاو لوبن فرانسوی» می گوید: «هر نوع سیستم تربیت جدیدی برای بشر سه دوره لازم دارد تا به تدریج از آن بهره مند شوند و در پایان امر برای نسل سوم ثمربخش شود ولی قرآن چنان کتابی است که آثار تربیتش را در همان نسل اول به حد کمال نشان داد ، امتی را تربیت کرد که در کمتر از یک قرن بر سه قاره آسیا ، آفریقا و اروپا (اسپانیا) حکومت نمود.»

در این وضعیت بحرانی کنونی که دانشمندان و صاحب نظران می کوشند تا راه نجاتی پیدا کنند و بشریت را از خطر عظیمی که وی را تهدید می کند ، نجات دهند؛ کلام نورانی رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) که فرمودند: «هر گاه پرده های تاریک بر اجتماع سایه افکند ، به قرآن روی آورید و از راهنمایی آن بهره مند شوید.» می تواند راهگشای جامعه انسانی باشد و بشریت را به سوی سعادت و خیر راهنمایی کند.

قرآن بزرگترین کتاب در آداب تعلیم و تربیت و اهداف آن است. قرآن همچون ستاره درخشانی به زندگی انسان ها روح و معنا بخشیده و زمینه ساز حرکت های آزادی بخش در میان ملت ها بوده است. هدف از نزول قرآن هدایت و رحمت است. راه و روشی که قرآن برای انسان ها ترسیم می کند براساس قوانین آفرینش و نظام احسن بنا شده است و مخاطب آن نیز تمامی انسان هایی هستند که به آن گرایش ، ایمان و یقین پیدا کرده اند.

از آنجا که تعلیم و تربیت امری ظریف و دشوار است ، لازم است معلم ، ماهیت و حقیقت انسان را به

خوبی بشناسد و استعدادهای درونی انسان را بیابد و به هدف تربیتی انسانی واقف باشد. در حقیقت معلمان زیربنای تکامل و تحول جامعه و افراد آن را پی ریزی می نمایند. بر همین اساس است که معلمی و هدایت انسان ها اصیل ترین و شریف ترین کارها لقب گرفته است ؛ چرا که هدف اساسی و اصلی تعلیم و تربیت «انسان سازی» است و معلم و مربی برای تعلیم و تربیت انسان ها آمده است.

معلم موفق باید خلاق باشد و پیوسته در جستجوی راه های تازه ای باشد که بر معلومات خود بیفزاید. هنر معلمی در این است که همواره روحیه اعتماد به نفس را در شاگردان خود تقویت کند تا بتوانند در مقابل ناپایداری های زندگی ایستادگی و مقاومت نمایند و این هنر وابسته به ایمان است. ایمان در این مرحله فقط به معنای پیرو الهیات یا مذهب خاص بودن نیست بلکه ایمان یعنی باور کردن اینکه در امر تربیت درهای بسته یا اوضاع غیر ممکن وجود ندارد.»

فصل دوم:

ویژگی های معلم نمونه در قرآن

۱-۱: تواضع

۱-۲: مهربانی

۱-۳: اخلاق نیکو

۱-۴: صبر

۱-۵: گذشت

۱-۶: صداقت

ویژگی های معلم نمونه در قرآن

از آنجا که معلم سال های زیادی را همراه دانش آموز می باشد و در سنین حساس کودکی و نوجوانی که درخت وجودی دانش آموز شکل می گیرد با او همدم و همراه می باشد لذا قرآن کریم ، این کتاب انسان ساز ، صفاتی برای یک معلم خوب و نمونه ذکر کرده است که به اجمال به بیان آنها می پردازیم.

۱-۱: تواضع

اولین ویژگی یک معلم نمونه ، تواضع و فروتنی است تا شاگردان مشکلات خود درسی و غیردرسی را به راحتی با معلم خود مطرح نموده و از این طریق هم استفاده علمی ببرند و هم درس زندگی بیاموزند.

چنانکه رسول اکرم نیز میفرمایند: «خداوند به من وحی نمود که فروتن باشید.»

فروتنی یعنی تسلیم در برابر حق ، احترام به همنوعان ، اعتراف و شناسایی مقام واقعی خود و حقوق دیگران که همگی از ثبات روحی و آرامش روانی سرچشمه می گیرد.

۱-۲: مهربانی

از آنجا که همه شاگردان بدون اختیار تاثیرات خلقی و رفتاری معلمان را می پذیرند و به آن سمت کشیده می شوند لذا یکی از صفاتی که در وجود یک معلم نمونه ، ضروری و لازم است ؛ برخورد همراه

با روی گشاده و مهربان است. تا شاگردان نیز تحت تاثیر این برخورد معلم هم بتوانند به راحتی

مشکلات خود را بیان نموده و هم از راهنمایی های معلم بهره لازم را ببرند و هم خود دارای روحیه

گشاده در برخورد با اجتماع و مردمان شوند. تغییرات اخلاقی تنها با پند و اندرز و موعظه صورت نمی پذیرد بلکه زمانی این مهم تحقق پیدا می کند که همراه با عمل و رفتار انسانی باشد.

همیشه به یاد داشته باشیم که زیر بنای رابطه عاطفی که میان معلم و شاگرد برقرار می شود، روحیات و خلیات معلم است نه روش تدریس او.

۱-۳: اخلاق نیکو

یکی از شروط اساسی معلمی داشتن اخلاق نیکو و نرمی در گفتار است. به گونه ای که بتواند همه شاگردان را به خود جذب کند و دل‌های آنان را به دست آورد. چنانکه خداوند در آیه ۴۴ سوره مبارکه طه می فرماید: «فقولا له قولا لینا ؛ به او به نرمی سخن بگویید» لطافت و نرمی در گفتار متکلم، مخاطبان را به سوی او جذب می کند و این خود یکی از عواملی است که باعث می شود درس ها و پند و اندرزهای متکلم در مخاطبان تاثیر بنهد. امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه: «قولوا للناس حسنا» می فرماید «قولا للناس اءحسن ما تحبون ائن یقال لکم ؛ با مردم با بهترین نوعی که دوست دارید با شما سخن گفته شود، سخن بگویید.» معلم باید همانگونه که انبیای الهی در جذب دل‌های مردم می کوشیدند تا بتوانند آنها را به راه راست هدایت نمایند، در جذب دل‌های شاگردان بکوشد تا بتوانند آنها را به شیوه صحیح ارشاد و راهنمایی کرده و از گرداب های موجود در جامعه آگاه سازد.»

خداوند در قرآن کریم صابران را می ستاید و می فرماید: «والله يحب الصبرين ؛ خداوند صابران را دوست دارد.»

این خطاب که همه مردمان جهان را در بر می گیرد به انسان ها درس بردباری و صبوری در مقابل مشکلات و سختی ها را می دهد تا بدین وسیله مورد رضایت و محبت خدای تعالی قرار گیرند و در جای دیگری می فرماید: «الم نشرح لك صدرک» و انشراح صدر است که امکان شکیبایی و صبر را فراهم می کند.

معلم نیز باید صبور و بردبار باشد ، بخصوص معلمان دوره های ابتدایی که با کودکانی روبرو هستند که هم در سنینی هستند که بسیار پرتحرک و ناآرام اند و هم به تازگی از جمع خانوادگی خود جدا شده و پای در محیط مدرسه نهاده اند.

لذا یک معلم نمونه باید در مقابل ناآرامی های دانش آموزان خود، شیطنت ها و حتی دیر درک کردن مطلب و دیرفهمی های دانش آموزان صبور و بردبار بوده و با آنها با مدارا رفتار نمایند زیرا که با صبر می توان به کارهای مهم دست یافت و چه بسا همین دانش آموزان پرتحرک و ناآرام و حتی گاه دیرفهم ، آینده ای بسیار درخشان و چشمگیری داشته باشند که در پرتو صبوری و مدارای معلم در آینده ای نزدیک جلوه گر شود. امام علی (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: «صبر ، مدد و کمک هر کاری به شمار می آید.»

خداوند در آیه ۸۵ سوره مبارکه حجر خطاب به رسول اکرم ص می فرماید: «وما خلقنا السموات والارض و ما بینهم الا بالحق و ان الساعه لاتیة فاصفح الصفح الجمیل؛... و ما آسمان ها و زمین و هر چه در بین آنهاست جز برای مقصودی صحیح و حکمتی بزرگ خلق نکردیم و البته ساعت قیامت خواهد آمد. اکنون تو ای رسول ما از این منکران ، نیکو در گذر»

امام کاظم (علیه السلام) در تفسیر این آیه شریفه می فرماید: «صفح جمیل یعنی گناهی را مورد عقوبت و سرزنش قرار ندادن» از سفارشات حضرت خضر به حضرت موسی این بود که کسی را به جهت خطا مورد سرزنش قرار ندهد. بر این اساس می توان گفت از دیگر ویژگی های معلم نمونه ، گذشت و اغماض است که در رفتار و اعمال معلم بزرگ انسان ها در طول تاریخ بشریت یعنی رسول اکرم ص از برجستگی خاصی برخوردار است.

در موارد زیادی معلم از شاگردان خود رفتارهای خاصی را مشاهده می کند و یا کلمات و جملات غیرمنطقی را می شنود ، اگر بنا باشد هر بار به خاطر این رفتارها و یا گفتارها دانش آموزان را توبیخ نماید نه تنها نمی تواند استعداد های نهفته در درون شاگرد را کشف کند و به فعلیت برساند بلکه باعث می شود تا دانش آموزان نسبت به او دلسرد شده و احترامی را که باید برای او قائل شوند ، از میان بردارند.

معلم نمونه باید همیشه به خاطر داشته باشد که گاهی نادیده گرفتن ها و گذشت کردن ها بیشتر و بهتر از تنبیه و اخراج می تواند اثر تربیتی بر دانش آموز داشته باشد.

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «کسی که کارش را با رفیق و مدارا انجام دهد ، برترین مردم است.»

در تعالیم اسلامی، تغافل از خطاهایی که از دیگران سر می زند در حالی که آدمی از آن خطاها اطلاع دارد، جزو شریف ترین اخلاق انسان کریم بر شمرده شده است.

بنابراین معلم نمونه باید خطاهای دانش آموزان خود را نادیده گرفته و با اتخاذ رفتاری منطقی و صحیح آنها را متوجه خطا و اشتباه خود نموده و راه صحیح را به آنها نشان دهد.

اما اگر به جای برخورد صحیح و منطقی با خطاهای دانش آموزان، با آنان بدرفتاری نموده به اصطلاح عکس العمل منفی نشان بدهد، تنها باعث می شود که دانش آموزان به او دلسرد شده و در نتیجه معلم نمی تواند هدف اصلی خود یعنی تربیت آینده سازان جامعه را دنبال کند.

۱-۶: صداقت

صداقت و راستگویی در فطرت آدمی نهاده شده و آدمی ذاتا به آن متمایل است. خداوند متعال نیز در قرآن از مردمان می خواهد از صادقین و راستگویان باشند. امام علی ع یکی از صفات پرهیزکاران را صداقت در گفتار می داند. صداقت و راستگویی روح و حقیقت گفتار است. امام علی در خطبه نهج البلاغه می فرماید: «صداقت در گفتار را که خداوند به فردی در میان مردم عطا کند بهتر از ثروتی است که کسی بر دیگران به ارث گذارد.»

یکی از نشانه های واقعی دانشمندی این است که فرد به جایی برسد که تازه می فهمد چیزی نمی داند و جهانی از مجهولات او را احاطه کرده است. لذا معلم نیز نباید انتظار داشته باشد که به همه چیز احاطه داشته باشد و همه چیز را به خوبی بداند چرا که ارزشمندی انسان تنها در پرتو معلومات نیست. معلم موفق باید خلاق بوده و پیوسته در پی راه های تازه ای برای افزودن معلومات خود باشد

آنجا که معلم مطالبی را نمی داند باید صداقت در گرفتار داشته و به جای متوسل شدن به شرح و بیان مفصل ، به راحتی به عدم علم خود اقرار کند. این اقرار و اعتراف نه تنها معلم را خوار و ذلیل نمی کند بلکه بر عظمت و تعالی او نیز می افزاید. امام باقر(علیه السلام) در این زمینه می فرماید: «آنچه را که می دانید بر زبان آورید و درباره مطالبی که نمی دانید بگویید خدا آگاه تر و داناتر است.»

فصل سوم:

حفظ شخصیت دانش آموزان

تربیت کاری ظریف و دشوار است و گذرگاه های سخت و دشوار دارد. معلم همواره باید شخصیت دانش آموز را حفظ کند و عذر دانش آموز را بپذیرد. خداوند در آیات زیادی از تکریم شخصیت انسان و سجده فرشتگان به او سخن می گوید. در روایات اسلامی از سرزنش کردن دیگران به شدت نهی شده است. امام صادق در این زمینه می فرماید: «کسی را مورد شماتت و سرزنش قرار مده زیرا ممکن است خداوند به او ترحم کند و تو را به آن مبتلا کند.» معلم و مربی نمونه باید با حفظ شخصیت دانش آموز با خطای او برخورد نماید تا وی متوجه خطا و اشتباه خود شده و در صدد جبران آن برآید چرا که شخصیت ، بزرگترین سرمایه معنوی دانش آموز است که اگر نادیده گرفته شود و مورد تحقیر قرار گیرد ، در آینده باعث می شود فرد خطاکار فاجعه های بزرگ بیافریند. لذا بر همین اساس است که معلم باید بکوشد تا همیشه شخصیت دانش آموزان را حفظ کرده و با نگهداشت آبرو و عزت شاگردان مسائل تربیتی را به آنان بیاموزد و به مرحله اجرا در آورد.

یکی از دستوراتی که در قرآن کریم خطاب به همه مومنان آمده است ، پرهیز از مسخره کردن یکدیگر است.

خداوند می فرماید: «یاایها الذین امنوا لا یسخر قوم من قوم عسی ان یكونواخیرا منهم؛... ای کسانی که ایمان آورده اید هرگز نباید قومی قوم دیگر را مسخره و استهزاء کند. شاید آن قوم که مسخره می کنید، بهترین مومنین باشند.

پیامبر(صلی الله علیه وآله) در این زمینه می فرماید: «هیچ مسلمانی را کوچک نشمارید زیرا که کوچک آنان نزد خدا بزرگ است.»

حضرت موسی تمسخر را جهالت می داند و می فرماید: «اعوذ بالله ان اکون من الجاهلین» خداوند

متعال انسان ها را با روحيات متفاوت آفریده است. بعضی از انسان ها بسيار پر جنب و جوش ، بعضی بسيار احساساتی و برخی آرام و گوشه گیر هستند. بنابراین لازمه برخورد صحيح و متناسب با اين افراد شناخت دقيق آنهاست.

معلم نمونه معلمی است که اين روحيات را شناخته و متناسب با همان روحيات با شاگردان خود برخورد نماید و هرگز شاگردی را به علت برخورداری از يك خصيصه يا به علت ضعف هوشي مورد تمسخر و عيب جویی قرار ندهد.

معلم زمانی می تواند در برخورد صحيح با شاگردان خود موفق عمل کند که خود را به جای شاگردان قرار دهد و همواره کودکی و نوجوانی را به یاد داشته باشد.

فصل چهارم:

تنبيه و تشويق

تنبیه و تشویق

قرآن کریم در آیاتی هدف از ارسال پیامبر به سوی امت را تشویق و تنبیه و ترسانیدن از عذاب الهی که در صورت عدم اطاعت از حق تعالی گریبانگیر فرد می شود، بیان می کند.

تشویق و تنبیه از اصول مهم اخلاقی است که مورد پذیرش و تاکید مکتب اسلام است. تشویق دانش آموز باعث تقویت وی شده و در عین حال تنبیهی است برای دانش آموزانی که سستی و اهمال به خرج داده و به درس و فعالیت درسی بی رغبت هستند و این خود زمینه ای می شود تا این گروه از دانش آموزان از غفلت و اتلاف وقت دست بردارند و به فعالیت های درسی علاقمند شوند.

امام علی (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: «گنهکار را به وسیله پاداش دادن به نیکوکار تنبیه کن.» تشویق باید به موقع انجام گیرد و البته نباید به کیفیتی باشد که مایه غرور و غفلت دانش آموز یا خاموش شدن فعالیت ها و نظم و انضباط وی شود. تشویق باید عامل رشد باشد نه انحطاط.

تنبیه نیز باید به منظور آگاهی دادن باشد نه انتقام گیری و به گونه ای باشد که فرد خطاکار متوجه بشود که استحقاق تنبیه را دارد نه اینکه با خود گمان کند به وی ظلم شده است.

فصل پنجم:

خودسازی وظیفه اولیه معلم قرآن

خودسازی وظیفه اولیه معلم نمونه

آنچه تاکنون در ارتباط با رفتار معلم با شاگردان بیان نمودیم ، در صورتی محقق خواهد شد که معلم ابتدا در وجود خود دست به سازندگی زده و در اعمال و گفتارش دقت نموده و میان آنها هماهنگی لازم را ایجاد نماید. معلم باید با تدبیر و تفکر در وجود خویش و سازندگی روحی و اخلاقی خود این ویژگی های بیان شده را در خود ایجاد کرده و همیشه زنده نگه دارد تا بتواند بر دانش آموزان تاثیر نهاده و آن ها را هدایت و راهنمایی کند. راز و نیازها و مناجات های رسول اکرم پیش از بعثت در غار حراء و کسب آمادگی برای پذیرش مسئولیت خطیر و مهم تعلیم و تربیت انسان ها که در جهلی بی سابقه فرو رفته بودند ، بهترین گواه بر این مدعاست.

یک معلم برای اینکه بتواند این ویژگی ها را در خود بوجود آورد باید مقدماتی را طی کند تا بتواند در این مسیر گام بردارد.

در روایتی آمده است حواریون از حضرت عیسی پرسیدند: با چه کسی همنشین شویم؟ حضرت عیسی فرمود: «با کسی که دیدن او شما را به یاد خدا بیندازد و سخن او بر دانش شما بیفزاید و علم او شما را نسبت آخرت متوجه و مایل سازد. خداوند در آیات زیادی خطاب به رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) دستور می دهد که با نیکان هم نشین شده و از ظالمان و گنهکاران روی گرداند.» این خطاب در حقیقت خطاب به همه مردمان است تا با همنشینی با نیکان و دوری گزیدن از ستمکاران به قرب خدا نایل آیند.

یک معلم نمونه باید همواره در تلاش و کوشش برای کسب معارف و مطالب علمی تازه و نوین باشد. به عبارت دیگر باید از لحاظ معرفتی و علمی همگام با زمان پیش برود و تنها خود را محدود به اندوخته ها و دانش های قبلی نکند بلکه با مطالعه از علوم جدید هم اطلاع یابد و همواره اطلاعات روز را به شاگردان خود بدهد. این مطالعه و یادگیری اطلاعات روز هم در تقویت روحیه علمی و معرفتی معلم و هم دانش آموزان مفید است. معلم همواره باید بکوشد تا در کارش مداومت داشته باشد. بنابراین بر همه عالمان جامعه اسلامی است که با تدبر و تعقل در آیات قرآن و سخنان نورانی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام در زمینه تعلیم و تربیت ابتلا به خودسازی پرداخته و سپس به تعلیم و تربیت اسلامی دانش آموزان همت گمارند تا بدین وسیله نسلی متعهد و انسان هایی خدانشناس و خداجو به جامعه اسلامی تحویل دهند و گام به گام جامعه را به اهداف آرمانی اسلام نزدیک ساخته و مدینه فاضله را تحقق و عینیت بخشند.

فصل ششم:

بایدهای معلم قرآن

۱-۶: گفتارمان مطابق کردارمان باشد

۲-۶: مهرورزی و عطوفت در تربیت

۳-۶: خودورزی و کاربرد منطق و استدلال در تربیت

۴-۶: خیراندیشی و موعظه در تربیت

۵-۶: حرص ورزی در تربیت

۶-۶: غمخواری در تربیت

۷-۶: مردمی بودن مربی

۸-۶: سخن دانی و نرمی در سخن

۹-۶: اخلاص و انگیزه در مربی

۱۰-۶: حسن خلق و معاشرت نیکو در تربیت

۱۱-۶: تلاش در حدتوان

۱۲-۶: مربی، اغتنام و خلق فرصت در تربیت

۶-۱: گفتارمان مطابق کردارمان باشد

یکی از اساسی ترین اصول و شرایط معلمی ، مطابقت گفتار و کردار است. معلم باید توجه داشته باشد که میان رفتار و کردارش با گفتارش وحدت و همبستگی وجود داشته باشد. چنانکه خداوند افرادی را که گفتاری را برای مردم بیان می کنند و خود عمل نمی کنند را توبیخ می کند. و امام علی (علیه السلام) چنین افرادی را مورد لعن خدا می داند و می فرماید: «خداوند کسانی که امر به معروف کرده ولی خود آن را ترک می کنند و نهی از منکر کرده و خود آن را انجام می دهند ، لعنت کند.»

یک معلم برای اینکه سخنش در دل های دیگران تاثیر بگذارد باید ابتدا خود به آنچه می گوید ، عمل کند. امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: «با غیر زبان ، مردم را دعوت کنید که اگر در شما پرهیزکاری و تلاش و نماز و کار خیر مشاهده کنند، این خود دعوت است.» این کلام پرمحتوای امام صادق (علیه السلام) نه تنها درس آموزنده برای تمامی آموزگاران و معلمان بلکه برای همه انسان هاست اما معلمان و آموزگاران که ساقه وجودی آینده سازان جامعه اسلامی مان را پرورش می دهند ، می توانند با استفاده از این جمله گهربار الگویی خوبی برای شاگردان خود باشند و دانش پژوهان خود را به کار نیک دعوت کنند و خود نیز الگویی مناسب در زمینه های مختلف برای آنان باشند.

۲-۶: مهرورزی و عطوفت در تربیت

مربی به انسانهای تحت تربیت خویش عشق می ورزد همچون پدری مهربان که به امور فرزندان خویش رسیدگی می کند د رهمه برخوردارهایش به اصلاح و تربیت آنان می پردازد ، رحمت و شفقت راه کار تربیت است و خداوند رحمت بر بندگان را بر خود فرض نموده است، «کتب علی نفسه الرحمه» و بر این اساس ارسال رسل و انزال کتب صورت گرفته است، آغاز سوره های قرآن با دو وصف رحمان و رحیم یادآور مهر و لطف آن پروردگار و مربی نظام هستی به موجودات و از جمله انسانهاست که این مهر و عطوفت باید الگویی برای تمامی انسانها باشد.

۳-۶: خودورزی و کاربرد منطق و استدلال در تربیت

قرآن کریم بهره مندی مربی را از منطق و استدلال و سخنان محکم و استوار نشانه موفقیت او معرفی می کند و با پیامبرخویش می فرماید: «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن ...» حکمت و جدال احسن از مصادیق سخن منطقی و استدلال در بیان است، با توجه به این اصل مربیان باید تلاش نمایند روشهای متنوع و پیچیده منطق و علم معانی و بیان و بدیع بیاموزد و در کار تربیت مورد استفاده قرار دهند.

۴-۶: خیر اندیشی و موعظه در تربیت

هدف تربیت باید متوجه انسان تحت تربیت و جامعه باشد در این راستا مربی باید بر کرسی خیرخواهی ، نصیحت و موعظه بنشیند تا سخن و عمل او دعوت کننده به خیر و صلاح و رشد باشد. قرآن به موعظه در گستره ای بسیار وسیع به عنوان ابزار نیرومند در کار تربیتی می نگرد و درکنار حکمت، موعظه را از ابزارهای مهم تبلیغ و تربیت می داند. «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه»

۵-۶: حرص ورزی در تربیت

مربی نمونه از دیدگاه قرآن کریم به تربیت انسان حرص می ورزد به کم قانع نیست و خواهان افزایش کمی و کیفی رشد یافتگان است. قرآن به هنگام تبیین نسبت پیامبر و جامعه او و مردم زمانه اش متذکر می شود که این پیامبر نسبت به هدایت شما حریص است، «حریص علیکم» آنقدر پیامبر اسلام به رشد و هدایت و تربیت مردم حرص می ورزید که خداوند با نزول فرشته وحی از او خواست که خود را اینقدر برای هدایت آنها به آب و آتش نزند.

۶-۶: غمخواری در تربیت

مربی بر اساس تعالیم قرآن کریم باید به حال کسانی که تحت تربیت او هستند دلسوز و غمخوار باشد و رنج و آلام آنان را احساس کند و از حرکت آنان در مسیر غیر صحیح ، دل نگران و غمگین باشد.

۶-۷: مردمی بودن مربی

یک مربی موفق از دیدگاه قرآن کریم چهره ای مردمی و برخاسته از متن و بطن توده های مردمی می باشد. از طبقات متوسطه و پائین جامعه است و درد آشنای مردم و آگاه از نیازها و مشکلات و وضعیت عمومی آنهاست سابقه حضور انبیاء و مصلحان اجتماعی در میان مردم قبل از شروع به هر گونه اقدام و نهضت اصلاحی در پذیرش و اقبال مردم نسبت به آنها و متقابلاً شناخت آنها از مردم و جامعه خویش بسیار مؤثر بوده است.

۶-۸: سخن دانی و نرمی در سخن

تأثیر مربی در حد زیادی به سخنوری، سخن شناسی و نرمی در سخن با مخاطبان تحت تربیت بستگی دارد و خوب سخن گفتن یکی از علائم خرد ورزی است خوب سخن راندن و به تعبیر علوم بلاغت رعایت فصاحت و بلاغت در کلام مایه نفوذ و تأثیر سخن بر مخاطب است.

۶-۹: اخلاص و انگیزه در مربی

یک مربی موفق و مطلوب نظام اسلامی از کار و فعالیت تربیتی خویش تنها رضایت خدا و خوشنودی او را دنبال می کند و هیچ چشمداشت، توقع و انتظاری از جامعه و مردم ندارد، حتی انتظار تشکر را نیز ندارد، طرف حساب او در فعالیت های پیگیر و مداوم تربیتی خداست و در این امر با خداوند متعال معامله می کند.

۶-۱۰: حسن خلق و معاشرت نیکو در تربیت

حسن خلق موجب جذب دلها و نفوس است به ویژه در برخوردهای اولیه با انسانهای تحت تربیت می تواند تأثیر فراوانی در تأثیر پذیری آنها داشته باشد. قرآن کریم یکی از عوامل گرایش مردم به پیامبر را خوش اخلاقی پیامبر معرفی می کند.

۶-۱۱: تلاش در حد توان

مربی از دیدگاه قرآن کریم موظف است تمام توان و تلاش خود را بکار گیرد و لحظه ای سستی و فطور به خود راه ندهد. قرآن تعبیر زیبا و رسایی را در توجیه این مطلب به کار می برد و از زبان پیامبران خویش می فرماید «ان ارید الا الاصلاح ما استطعت»

۶-۱۲: مربی، اغتنام و خلق فرصت در تربیت

یک مربی موفق از دیدگاه قرآن کریم، توانایی بهره مندی از همه فرصتهای موجود و خلق فرصت جدید در کار تربیتی را دارد. اهل نوآوری در ابتکار در کار تربیت است، از شرایط موجود استفاده بهینه می کند و اگر شرایط مقتضی وجود ندارد سعی در ایجاد فرصتهای جدید می کند. مربیان عزیز نباید منتظر شرایط آماده و لوازم و امکانات کامل و تام و تمام در امر تربیت باشند گرچه منکر نقش امکانات و ابزار نیستیم اما در صورتی که شرایط آن را چنان که باید مطلوب نمی بینیم تلاش کنیم تا فرصت خلق کنیم و از فرصتهای موجود نیز با هوشیاری استفاده کنیم.

فصل هفتم:

آداب معلم قرآن

- باید هدفش از تعلیم قرآن رضایت خداوند باشد.

- نباید هدفش از تعلیم قرآن اهداف و مطامع دنیوی باشد؛ زیرا خداوند می‌فرماید:

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ
تَّصِيبٍ. (الشوری / ۲۰).

«کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت و افزایش می‌دهیم و بر محصولش می‌افزاییم؛ و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبد، کمی از آن به او می‌دهیم اما در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد».

- باید معلمین قرآن پرهیز نمایند از اینکه تعلیم قرآن را مایه کسب و معیشت قرار دهند؛ ولی علما بر سر این مسأله اختلاف رأی دارند که آیا در مقابل تعلیم قرآن جایز است که اجرت گرفت یا خیر؟ و شاید بهتر آن است که بگوئیم جایز است بدلیل حدیثی که ابی‌سعید روایت کرده که گله‌ای گوسفند را در برابر دعائی که در آن سوره فاتحه خوانده بود گرفته است، و پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز از گوشت گوسفندها خورده است.

- باید بشدت حذر نماید از اینکه هدفش مراجعه و رفت و آمد زیاد مردم با او باشد.

- معلم قرآن باید مواظب باشد که دوستان معلمش را بخاطر تعلیم دیگران که برایشان نفعی در بردارد، مورد کینه و بغض قرار ندهد؛ یعنی از کار آنها ناراحت نشود.

- معلم قرآن باید مزین به آداب شرع باشد.

- معلم قرآن باید دنیا ستیز و از زیادخواهان مال و مکنت دنیا نباشد.
- معلم قرآن باید آرام، با وقار و متواضع باشد.
- معلم قرآن باید از شوخی کردن و از خنده و قهقهه زیاد حذر نماید.
- باید برای تسیحات، دعا و فضایل اعمال از احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم استفاده کند.
- باید از بیماریهای قلبی مانند: حسد، عُجب، ریاء و تحقیر مردم پرهیز کند.
- نباید بیشتر از مردم، خیری و نفعی را برای خود طلب کند.
- لازم است به آنانی که درس می‌دهد با مهربانی رفتار کند، و آنان را مورد لطف و مرحمت خویش قرار دهد، و آنانرا بر یادگیری و تعلیم تشویق نماید.
- تا آنجا که در توان دارد، دانش‌آموزان را نصیحت کند.
- بهنگام تدریس و تعلیم باید گذشت داشته باشد.
- باید نسبت به دانش‌آموزانش دلسوز باشد و به مصالح آنان همچون مصالح خود و فرزندانش اعتناء نماید، و باید دانش‌آموزانش را همچون فرزندان خود مورد محبت و شفقت قرار دهد، و در جفاکاری و بی‌ادبی آنان همچون فرزندانش بردبار باشد، و باید زشتی این اعمال را با دلسوزی و مهربانی به آنان یاد دهد تا دوباره تکرار ننمایند.

- لازم است هر آنچه برای خود دوست دارد برای دانش‌آموزانش هم دوست داشته باشد، و هر آنچه برای خود نمی‌خواهد برای آنان هم تجویز نکند.

- باید فضیلت علم و یادگیری آن را به دانش‌آموزان یاد بدهد، تا باعث نشاط بیشتر آنان شود، و همچنین لازم است دنیاستیزی را به آنان یاد دهد.

- باید آنان را بر مصالح دنیوی خویش ترجیح دهد، مصالحی که ضروری نیستند.

- باید هر کدام از دانش‌آموزانش را آن چیزی که شایسته‌اش می‌باشد به‌رمند سازد.

- تشویق کردن آنان به محفوظات و مرور آنها.

- هر کدام از آنان رفتار پسندیده و نجیبانه داشت او را ستایش نماید.

- هرگاه متعلمین زیاد شدند و ازدحام نمودند بترتیب به آنان درس بدهد، و هیچکدام را بر دیگری تقدیم ندارد، مگر بخاطر مصلحت شرعی.

- احوالشان را بپرسد، و از آنانیکه غایب هستند علت را جویا شود.

- به‌نگام تدریس دست‌هایش را به کارهای بیهوده مشغول نکند، و همچنین بی‌دلیل به اطراف و دیگران نگاه نکند.

- باید روبه قبله بنشینند و وضو داشته باشد، و با وقار باشد و لباس پاک و تمیز و سفید (لباس سفید سنت است) بپوشد، و هرگاه به محل کلاس رسید قبل از نشستن دو رکعت نماز بخواند.
- از ابن مسعود روایت شده که وقتی به مردم قرآن یاد می داد بر روی زانوهایش می نشست.
- لازم است محل کلاس درسش وسیع باشد تا همه شاگردانش بتوانند در آن بنشینند.
- نباید معلم هیچ وقت علم را خوار و ذلیل جلوه دهد.

احترام گذاشتن به شخصیت دانش آموزان، یکی از ویژگی های مهم معلم است. همیشه معلم باید شخصیت دانش آموزان را محترم بشمارد. خداوند متعال در آیات فراوانی از تکریم شخصیت انسان و سجده ملائکه به او سخن گفته است و در روایات نیز از سرزنش کردن دیگران نهی شده است. معلم نمونه باید با حفظ شخصیت دانش آموز با خطای او برخورد و تنبیه نماید تا وی متوجه اشتباه خود شده و در فکر جبران آن باشد.

حضرت امام صادق (ع) می فرماید که با غیر زبان مردم را دعوت کنید، که اگر در شما پرهیزکاری و تلاش و نماز و کار خیر مشاهده کنند، این خود دعوت میباشد. این سخن پر محتوای امام صادق (ع) نه تنها درسی آموزنده است؛ بلکه وظیفه ی ذاتی همه معلمین بخصوص معلمین نمونه میباشد. یکی از اساسی ترین اصول و شرایط هر معلم همراه بودن گفتارشان با رفتارشان میباشد. امام علی (ع) می فرماید که ((خداوند کسانی که امر به معروف کرده، ولی خود آن را ترک می کنند و نهی از منکر کرده و خود آن را انجام می دهند، لعنت کند.))

فهرست منابع و مأخذ

- ۱) انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، جلد چهارم، انتشارات سخن، چاپ اول.
- ۲) برنگیه، ژان کلود (۱۳۵۸)، گفتگوهای آزاد با ژان پیاژه، ترجمه محمود منصور، پریخ دادستان، تهران؛ چاپ دریا.
- ۳) بودو، آلن (۱۳۵۸)، خلاقیت در آموزشگاه، ترجمه دکتر علی خانزاده، انتشارات شرکت سهامی چهر.
- ۴) پروار، حمیدرضا (۱۳۸۱)، «بررسی مؤلفه های خلاقیت و جامعه پذیری و تأملی بر پارادوکس بینی این دو مفهوم در فرایند تعلیم و تربیت»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- ۵) جورج اف، نلر (۱۳۶۹)، هنر، علم خلاقیت، ترجمه سید علی اصغر مسدد، انتشارات دانشگاه شیراز، چاپ اول.
- ۶) خامنه ای، محمد (۱۳۸۱)، «خلاقیت/ خلافت انسان» در فلسفه و عرفان اسلامی. فصل نامه صدرا، شماره ۲۸، تابستان ۸۱.
- ۷) خسرو نژاد، مرتضی (۱۳۸۲)، معصومیت و تجربه، درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک، نشر مرکز، چاپ اول.

- ۸) خسرونژاد، مرتضی (۱۳۷۴)، آموزش و پرورش ابتدائی؛ خلاقیت یا جامعه‌پذیری؛ کوششی در حل این پارادوکس، مجموعه مقالات آموزشی ابتدائی و جایگاه آن در جامعه، اصفهان، ۱۳۷۴.
- ۹) شهر آرای، مهرناز (۱۳۸۱)، روش‌های تربیتی پویا و خلاق، فصل‌نامه تعلیم و تربیت.
- ۱۰) صبحی قراملکی، ناصر (۱۳۷۸)، خلاقیت و روش‌های یادگیری آن در کودکان، مجله رشد تکنولوژی آموزشی، دوره ۱۵، شماره ۶.
- ۱۱) عابدی، جمال (۱۳۷۲)، خلاقیت و کاربردهای آن، فصل‌نامه پژوهش‌های روانشناختی، دوره دوم، شماره ۱ و ۲.
- ۱۲) مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، مسئله شناخت، انتشارات صدرا؛ چاپ نهم.
- ۱۳) مورتی، کریشنا (۱۳۷۱)، رهایی از دانستگی، ترجمه مرسده لسانی، تهران؛ انتشارات به‌نگار.
- ۱۴) مورتی، کریشنا (۱۳۷۰)، نارضائی خلاق، ترجمه مرسده لسانی، تهران؛ انتشارات به‌نگار.
- ۱۵) نهج‌البلاغه.
- ۱۶) ترجمه: إسحاق بن عبدالله العوضی نویسنده: ماجد بن سعود آل عوشن
- ۱۷) دانشنامه موضوعی قرآن
- ۱۸) زهرا رضاییان پور